

## مطلوبیت گرایی در رفتار تولید کننده بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی<sup>۱</sup>

محمد مهدی عسکری<sup>۲</sup>

مجید عنان پور<sup>۳</sup>

### چکیده

انگیزه تولید در نظام سرمایه‌داری با طرز تلقی آنان از نفع شخصی ارتباط تنگاتنگی دارد. آنچه از این تفکر سرچشمه می‌گیرد مطلوبیت‌گرایی است. ولی در این مطلب که چه چیزی مطلوبیت را حداکثر می‌کند اختلاف وجود دارد. در این نظام حداکثر کردن سود یکی از مهمترین مصادیق مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولید کننده می‌باشد.

با نگاه به نظریات اندیشمندان مسلمان و مراجعه به آیات نورانی کلام وحی و روایات معصومین<sup>(ع)</sup> در می‌یابیم که هدف اقتصادی تولید کننده مسلمان، تولید کالا برای رفع نیاز جامعه اسلامی و خانواده خویش است. که این هدف در راستای هدف غایی او که همان عبادت و اطاعت است، می‌باشد. بنابراین مطلوبیت‌گرایی و در نتیجه حداکثرسازی سود جایگاهی در رفتار تولید کننده نخواهد داشت.

در این نوشتار ضمن بررسی و نقد ایده مطلوبیت‌گرایی از منظر متفکرین غربی و اندیشمندان مسلمان، به جستجو در آیات قرآن کریم و روایات معصومین<sup>(ع)</sup> در این خصوص، خواهیم پرداخت.

**کلمات کلیدی:** نفع شخصی، مطلوبیت‌گرایی، سود، نظام سرمایه‌داری.

<sup>۱</sup> برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «تبیین رفتار تولید کننده در نظریه اقتصاد اسلامی با تاکید بر فقه شیعه»

Email: m.askari@isu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>

## مقدمه

نفع شخصی زیربنای انگیزه تولید در جامعه سرمایه‌داری است. این عامل در برداشت نئوکلاسیک‌ها، به حداکثر سازی مطلوبیت ختم می‌شود.

تفکر مطلوبیت‌گرایی از مبنایی سرچشمه گرفته شده است که انسان در آن موجودی بریده از خدا و آموزه‌های آسمانی (دئیسم) بوده و قوانین طبیعی بر امور عالم حاکمیت دارند (ناتورالیسم) و تفکر اومانیسم یا اصالت انسان در آن موج می‌زند. به همین دلیل این انسان، تابع لذت‌ها و خوشی‌های نفس (مطلوبیت‌گرایی) می‌باشد. لذا در این تفکر از احکام و ارزش‌های مبتنی بر وحی سخن گفته نمی‌شود.

مکتب مطلوبیت‌گرایی بر آثار افرادی همچون دیوید هیوم، جرمی بنتام و جان استوارت میل استوار است. بنیاد این مکتب بر فلسفه‌ای به نام لذت‌گرایی استوار است. اپیکور که او را بنیانگذار فلسفه‌ی لذت می‌دانند می‌گوید: لذت مبدأ و و غایت زندگی سعادت‌مندانه است زیرا ما لذت را به عنوان خیر نخستین می‌شناسیم که ذاتی و همراه ماست و با توجه به آن است که به هر انتخابی مبادرت می‌ورزیم. (شجاعی، ۱۳۷۸، ۵)

این اصل، دارای سه قضیه اصلی است: الف. خوشی و لذت فردی، باید غایت عمل فردی باشد. ب. هر خوشی و لذت فردی، قرار است که برای یک نفر (نه بیش‌تر) فرض و حساب شود. ج. هدف عمل اجتماعی باید حداکثر کردن مطلوبیت کل باشد. (نمازی، ۱۳۷۴، ۲۳)

## مطلوبیت‌گرایی در نظریات متفکرین غربی

فلسفه اجتماعی پس از رنسانس به‌طور عمده تحت تأثیر دو جریان مهم قرار گرفته است: اول لیبرالیسم وظیفه‌گرا<sup>۱</sup> و دوم لیبرالیسم مطلوبیت‌گرا<sup>۲</sup>. برجسته‌ترین شخصیت جریان اول کانت بود و از جریان دوم می‌توان به هیوم، بنتام و میل اشاره کرد. (ساندل<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹، ۵)

رهیافت مطلوبیت‌گرا همان دیدگاه آشنای اقتصاد نئوکلاسیک است که انسان را موجود

<sup>۱</sup>-Deontological liberalism

<sup>۲</sup>-Liberalism Utilitarian

<sup>۳</sup>-Sandel, 1989, p5

حداکثرکننده مطلوبیت، خوشی یا سود معرفی می‌کند؛ البته این بیان به معنای در نظرنگرفتن انگیزه‌های دیگر انسان نیست و فقط نوعی تحول‌گرایی و فروکاستن به اساسی‌ترین و پایدارترین انگیزه انسانی به جهت ساده‌سازی علمی به‌شمار می‌آید. (بلوم، ۱۳۷۳، ۸۸۰)

بنیاد این مکتب بر فلسفه‌ای به نام لذت‌گرایی استوار است. طبق این فلسفه لذت یا رفع درد، هدف زندگی است.

در قرن هجدهم، هلوسوس، اقدام به پرورش مباحث فلسفه‌ی لذت نمود، تعبیر او از انسان این بود که اساس همه‌ی رفتارهای آدمی حب نفس است. آدمیان تصور می‌کنند که خوشبختی آنها در صورتی کامل است که از قدرت کافی برای تأمین هرگونه لذت برای خود برخوردار باشند، بنابراین عشق به قدرت از عشق به لذت سرچشمه می‌گیرد. (شجاعی، ۱۳۷۸، ۲۲)

مکتب مطلوبیت‌گرایی با نام "جرمی بنتام" همراه است؛ هر چند که هیوم نیز گفته بود: فایده‌ی عام منشأ عدالت است. در واقع بنتام مبتکر اصلی مطلوبیت‌گرایی نبود، چنانکه خود او می‌گوید: مطلوبیت‌گرایی به هنگام مطالعه‌ی رساله‌ای در باب حکومت اثر جوزف پریستلی<sup>۱</sup> (۱۷۸۶) به ذهن او خطور کرده است. پریستلی گفته بود که خوشی یا خوشبختی اکثریت اعضای تابع یک حکومت، معیاری است که همه‌ی امور آن حکومت را باید بر مبنای آن سنجید. (باقری، ۱۳۷۷، ۸۵).

جرمی بنتام متفکری است که بیشتر فیلسوف بود، تا اقتصاددان و اساساً کاربرد ابعاد مهمی از عقاید فلسفی وی در اقتصاد، وی را در جرگه اقتصاددانان قرار داده است. (دادگر، ۱۳۸۳، ۲۴۱) از دیدگاه وی، هدف تمام اعمال انسان، لذت و رنج است. وی می‌گوید: ما فقط یک وظیفه داریم و آن جست‌وجوی بالاترین لذت ممکن است و مسأله رفتار انسان، فقط تعیین این است که چه چیزهایی بیش‌ترین لذت را به انسان می‌بخشد. (جونز، ۱۳۵۸، ۴۹۰)

ویلیام جونز در تأیید اندیشه بنتام می‌گوید: رنج و لذت، بدون شک، اهداف نهایی همه محاسبات اقتصادی برای حداکثر کردن لذت است و همین امر، مسأله اقتصادی را تشکیل می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۲۶).

در حقیقت مفهوم مطلوبیت‌گرایی، گونه‌ای از قوانین طبیعی مورد نظر فیلسوفان قرن هفدهم است که تفسیر قانونمندی از رفتارهای فردی و خوشبختی همگانی به دست می‌دهد. در این تفسیر، چنان‌که شومپتر توضیح می‌دهد، لذت‌ها و رنج‌های هر فرد، کمیت‌های اندازه‌گرفتنی فرض می‌شوند که از جمع جبری آن‌ها خوشبختی فرد حاصل می‌شود؛ آن‌گاه از جمع خوشبختی‌های فردی که به همه آن‌ها وزن برابر داده می‌شود می‌توان سعادتی و رفاه اجتماعی را محاسبه کرد. (شومپتر، ۱۳۷۵، ۱۷۱)

اندیشه مطلوبیت‌گرایانه بنتام، در واقع نوعی مفهوم‌سازی از انگیزه انسانی به‌سوی عمل است. بنتام تصریح می‌کند که هر نوع انگیزه بشری را می‌توان به یک اصل ساده برگشت داد و آن تمایل وی به حداکثر کردن مطلوبیت است. طبق عقیده او، اعمال انسان‌ها با توجه به عناصر لذت و دردی که به‌همراه دارد، انجام می‌شود و در عین حال، مجموع این لذت‌ها و دردهای افراد، اعمال دسته‌جمعی را شکل می‌دهند. وانگهی او ادعا می‌کرد که می‌توان دردها و لذت‌ها را اندازه‌گیری کرد. وی معتقد است که انسان، علاوه بر آن که به‌دنبال حداکثر لذت است، خودخواه نیز هست؛ یعنی ترجیحات فردی در همه امور زندگی حاکم است.<sup>۱</sup> (بنتام، ۱۹۵۲، ۴۲۱)

بنابراین، بنتام ارزش‌های انسانی را تنها براساس لذت که یک حادثه روانی فردی است، تفسیر می‌نماید؛ هر عملی که فرد طبیعتاً از آن لذت می‌برد خوب و خیر است و الا بد و شر است و به عبارت دیگر، اگر عملی موجب افزایش سرجمع کل لذت گردد، عمل شایسته‌ای است که باید آن را انجام دهیم و اگر موجب کاهش سرجمع کل لذت شود، ناشایست است و باید از آن دوری کنیم. (کاپلستون، ۱۳۷۶، ۸، ۲۸).

<sup>۱</sup> -Bentham, 1952,421

جان استوارت میل<sup>۱</sup> اقتصاددان انگلیسی که جزء اقتصاددانان کلاسیک محسوب می‌شود؛ در زمینه‌های مختلف و از جمله منطقی، فلسفه، اقتصاد و سیاست نظریه‌پردازی کرده است. از نظریات وی می‌توان به «اصل کام‌جویی» یا «لذت طلبی» اشاره نمود. از نظر این قانون، هر فرد، طبعاً در جستجوی خیر و یا به اصطلاح اقتصادی در طلب ثروت، و گریزان از شر و یا به اصطلاح از کار و کوشش است. این نظام روحی روانی آدم است. (ژید، ۱۳۷۰، ۱، ۵۶۸)

علاوه بر این استوارت میل دیدگاه خاصی نسبت به منافع شخصی دارد. وی در واقع فردگرایی را تحت ضابطه قانونی درآورد به این صورت که افزایش منابع و لذت‌های فردی، از راه افزایش منابع و لذت‌های دیگران نیز قابل دستیابی است. (لاژوژی، ۱۳۵۳، ۳۲-۲۹)

در همین راستا دیوید هیوم چنین معتقد است که شخصیت انسانی، چیزی نیست جز امیال و احساسات او. ارزش‌های بشری را احساسات یا هیجان‌های بشر تعیین می‌کند و میزان اعتبار اصول اخلاقی، به میزان سودمندی آن‌ها بستگی دارد. (عالم، ۱۳۸۱، ۳۸۳)

آنتونی آربلاستر می‌نویسد: «فرد از دیدگاه هابز، هیوم و بنتام، به این مفهوم که هدف‌ها و مقاصد خود را به حکم عقل برگزیند، عاقل نیست. به عکس، این شهوات، خواهش‌ها، تمنیات و بیزاری‌ها هستند که به فرد، جان می‌بخشند و انگیزه لازم برای حرکت در سمت و سوی معینی را فراهم می‌آورند. با قبول این تلقی از پویش‌های بشر، عقل را فقط می‌توان خدمتکار یا به قول هیوم، «برده» شهوات و خواهش‌ها قلمداد کرد» (آربلاستر، ۱۳۷۷، ۵۰)

همچنین جان لاک، نیک و بد را به نسبت لذت و رنج، این چنین تعریف می‌کرد: نیک آن است که به ایجاد یا افزودن لذت در ذهن یا تن یا به کاستن رنج می‌گراید در حالی که بد آن است که به ایجاد یا افزودن رنج یا به کاستن لذت میل دارد. (کاپلستون، ۱۳۷۵، ۵، ۱۵۶)

کاپالدی معتقد است اصل فایده‌ای که جرمی بنتام ارائه می‌دهد و معیار ارزیابی تمام اعمال آدمی است، علاوه بر آدمی، بر جوامع و دولت‌ها هم حاکم است و کاربرد دارد. بنتام جامعه را جدا و منفک از افراد نمی‌داند. تعریف بنتام از جامعه به دور از هر تمایز ساختگی میان فرد و

<sup>۱</sup>-John Stuart Mill

جامعه است. جامعه فقط عبارت است از تمامی اعضای آن. جامعه یک پیکر مجعول است؛ به عبارتی، متشکل از افرادی است که در حکم اعضای آن پیکرند و منفعت و سود جامعه عبارت است از سر جمع منافع آحاد اعضایی که آن را تشکیل می‌دهند. زمانی که اعمال، تمایل به ایجاد لذت بیشتر و رنج کمتر و به عبارتی سود در جامعه دارند، با اصل فایده قابل تطبیقند. (کاپالدی، ۱۳۸۳، ۲۸)

فیلسوفان غربی درباره مفهوم و مصداق لذت، بحث‌ها و نظریات متنوعی را ارائه کرده‌اند که گاهی لذت ناشی از باور و کردار دینی را نیز شامل می‌شود؛ اما در مجموع می‌توان گفت که بیش‌تر آن‌ها، همان مفهوم رایج آن را قصد می‌کردند. (شومپیتر، ۱۳۷۵، ۱۷۵-۱۷۰)

برای نمونه ساندل معتقد است که جامعه در جایگاه اجتماعی از افراد متکثر با اهداف و منافع متفاوت و تعاریف گوناگون از خوبی، آن‌گاه به بهترین وجه سامان می‌یابد که اصول حاکم بر جامعه، خود مفهوم خاصی از خوبی و نیکی را پیش‌فرض قرار ندهند. آنچه توجیه‌کننده اصول قانونگذاری است، نه حداکثرسازی رفاه اجتماعی یا توسعه خیر و نیکی، بلکه تطابق آن‌ها با مفهوم حق است که مقوله‌ای اخلاقی و پیشین‌به، و مستقل از، خوبی و نیکی است. (ساندل، ۱۹۸۹، ۲)

### ملاحظه

اصالت وجودی در تفکرات اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری به طور کامل با فرد است. بنابراین هر عاملی که به فرد مربوط می‌شود مورد اهمیت ویژه‌ای قرار خواهد گرفت؛ به همین دلیل صحبت از لذت و رنج در مورد فرد اهمیت چندانی می‌یابد و حتی گاهی برای عملی کردن آن تا تعرض به حقوق دیگران هم پیش می‌رود. مطلوبیت‌گرایی در تفکر اندیشمندان غربی بیشتر در فضای مادی‌گرایی مطرح گردیده هر چند که اشاره‌ای هم به مقوله‌های اخلاقی نیز شده است اما بسیار محدود و خام می‌باشد.

## نقد مطلوبیت‌گرایی از منظر متفکرین غربی

وارد کردن یا احیای اندیشه «مطلوبیت‌گرایی» در تجزیه و تحلیل علم اقتصاد توسط جرمی بنتام صورت گرفت. به همین خاطر نقد مطلوبیت‌گرایی در واقع به گونه‌ای نقد افکار بنتام محسوب می‌شود.

این‌تایر معتقد است که در اندیشه مطلوبیت‌گرایانه بنتام، بیش از حد به یکی از انگیزه‌های بشری (لذت) تاکید شده است، در حالی که انسان‌ها بسیاری از اموری دیگر را نیز دارای ارزش می‌دانند؛ همچون حس نوع‌دوستی و فداکاری. انسان‌ها این‌گونه امور را برای کسب لذت انجام نمی‌دهند؛ چراکه در اکثر موارد با لذت همراه نیستند. (این‌تایر، ۱۳۷۹، ۴۶۶)

همچنین وی بیان می‌کند که مطلوبیت‌گرایان به وضع موجود انسان نظر دارند و راه کارهایی برای وضع موجود او بر اساس لذت مند بودن یا ارضای میل او ارائه می‌دهند و آرمانی برای آینده وی ترسیم نمی‌کنند تا انسان سعی کند خود را از این وضعیت نابسامان اخلاقی به کمال و تعالی اخلاقی برساند. از این‌رو، انسان مطلوبیت‌گرا درصدد کسب فضایل اخلاقی نخواهد بود. (این‌تایر، ۱۳۷۹، ۳۰)

کاپالدی به این نکته توجه می‌کند که بنتام در سخن از بیشترین لذت برای بیشترین افراد، از توزیع لذت و شادی حرفی نمی‌زند. مثلاً جامعه‌ای را فرض کنیم که اقلیتی، بی‌اندازه دارای لذت و اکثریتی در الم و رنج باشند و مجموع شادی اقلیت بیش از مجموع الم اکثریت باشد؛ در این صورت، طبق نظریه بنتام این عمل حاکم بر جامعه خوب خواهد بود، حال آنکه توزیع باید عادلانه باشد و این صحیح نیست که اکثریتی فدای منافع اقلیتی شود. (کاپالدی، ۱۳۸۳، ۵۶-۴۰)

اشکالی را نیز ای. اف. کریت<sup>۱</sup> بر مطلوبیت اجتماعی وارد کرده است. وی نمونه‌ای می‌آورد. برای مثال حلق آویز کردن یک فرد بی‌گناه، در صورت احراز شرایط معینی، می‌تواند به افزایش سعادت همگانی کمک کند. مثلاً هنگامی که اعتقاد عموم بر این باشد که فرد بی‌گناهی قاتل است و اعدام وی می‌تواند تأثیری عبرت‌آمیز داشته باشد، در این حالت با ملاک مطلوبیت‌گرایانه

<sup>۱</sup>E. F. Carritt

باید آن بی‌گناه را اعدام کرد و یا می‌توان فرد سالمی را تکه‌تکه کرد و اعضایش از قبیل قلب و کلیه و... را به چندین بیمار بخشید و استدلال کرد که با از بین رفتن یک نفر چندین بیمار از مرگ نجات یافتند و بدین ترتیب، خوشی و سعادت بیشتری حاصل شد. (مگی، ۱۳۸۷، ۲۸۴)

انتقاد دیگر این است که مفهوم سود و سعادت اجتماعی ممکن است به استبداد بینجامد، همان‌گونه که در تاریخ چنین تجربه‌ای واقع شده است. همیشه این پرسش را می‌توان مطرح کرد که چه بهای عظیمی برای آن سعادت پرداخته شده است. بنابراین، مفهوم «بیشترین سعادت برای بیشترین عده»، را می‌توان برای دفاع از هر جامعه پدرمدارانه یا استبدادی که در آن جامعه، بهای پرداخت شده برای سعادت، آزادی افراد آن جامعه در انتخاب‌های خویش است، مورد استفاده قرار داد. ممکن است در شرایطی معین آزادی و سعادت ارزش‌هایی از بنیان‌سازگار باشند. می‌توان نشان یک فرزند مشروع فایده‌گرایی را که نزد آن آزادی فدای سعادت شده در تاریخ سوسیالیزم یافت که در آن اقلیتی روشنفکر برای اکثریت غیرروشنفکر طرح به راه انداخته بودند. (ایتنایر، ۱۳۷۹، ۴۷۳)

از دیدگاه هربرت مارکوزه، «رفاه و بهبود مادی که توسط نظام‌های سرمایه‌داری گسترده می‌شود، رفاه کاذبی است که تنها در خدمت برآورده شدن نیازها و خواست‌های کاذب افراد است. نیازهای کاذب، همان نیازهایی است که طبقات حاکم به عنوان خواست ملی واقعی توده، از طریق ایدئولوژی کاذب بر آنها تحمیل می‌کنند. به علاوه در چنین جوامعی، افراد، دیگر توان تشخیص مصالح راستین خود را از دست داده، کاملاً مسخ شده‌اند» (بشریه، ۱۳۷۹، ۲، ۲۰۱)

سیمون معتقد است که با در نظر گرفتن تصمیمات کوتاه مدت و بلند مدت حتی مطلوبیت و سود کم نیز موجب بقاء نگاه‌های تولیدی شده است. در توضیح این نکته باید توجه داشت که حداکثر کردن مطلوبیت (سود) توسط بنگاه‌های تولیدی با نظریه داروین در زیست‌شناسی همگون است. داروین می‌گفت از موجودات زنده آنهایی باقی می‌مانند که صفات و ویژگی‌های بیشتری از آن‌ها با محیط سازگار باشد. این دسته به طور طبیعی در تنازع بقا قدرت تولید مثل را حداکثر می‌کنند. تولیدکننده نیز در یک روند طبیعی می‌خواهد در شغل خود باقی بماند در این صورت با حداکثر کردن مطلوبیت (سود)، خود را با اوضاع بازار سازگار می‌کند. اما نکته قابل



توجه این است که این نظر حتی از طرف زیست‌شناسان نیز مورد نقد قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند برای بقا نیاز به حداکثر تولید مثل نیست. این مطلب در مورد نگاه‌های تولیدی نیز ثابت شده است یعنی آزمون‌های تجربی نشان داده‌اند که با در نظر گرفتن تصمیمات کوتاه مدت و بلند مدت حتی مطلوبیت و سود کم نیز موجب بقاء نگاه‌های تولیدی شده است.<sup>۱</sup> (سیمون، ۱۹۸۷، ۲۲۳)

عده‌ای از دانشمندان چون مک‌کلاب معتقدند که می‌توان هر نظریه‌ای که توانایی تبیین علی معلولی و پیش‌بینی امور واقع را داشته باشد را به عنوان یک نظریه مورد قبول پذیرفت. مارک بلاگ در نقد این تفکر بیان می‌کند که در صورتی این توجیه قابل قبول است که پیش‌بینی‌های یک نظریه بتواند از آزمون‌های بسیاری موفق از آب درآید در صورتی که ممکن است این نظریه به همان میزان که با شواهد تجربی تایید می‌شود، به همان میزان نقض هم شده باشد. این بیان در مورد حداکثر کردن مطلوبیت (سود) هم صادق است.<sup>۲</sup> (بلاگ، ۱۹۹۲، ۱۵۲-۱۵۱)

### ملاحظه

از مهمترین انتقاداتی که اندیشمندان غربی بر مطلوبیت‌گرایی وارد نموده‌اند عبارت است از: توجه بیش از حد به یکی از انگیزه‌های بشری، عدم سخن گفتن از توزیع لذت و شادی، امکان این نکته که مفهوم سعادت اجتماعی به استبداد بینجامد و علاوه بر این مطلوبیت‌گرایان به وضع موجود انسان نظر دارند و آرمانی برای آینده ترسیم نمی‌کنند.

### مطلوبیت‌گرایی و نقد آن در نگاه اندیشمندان مسلمان

در بحث مطلوبیت‌گرایی از منظر اقتصاددانان و محققان مسلمان، می‌توان به دو گروه اشاره نمود. گروه اول اصل موضوعهٔ بیشینه‌سازی مطلوبیت را با وارد کردن احکام و محدودیت‌های اسلامی پذیرفته‌اند. اما گروه دوم با رد اصل موضوعهٔ مطلوبیت، اصول موضوعهٔ دیگری را مطرح ساخته‌اند.

<sup>۱</sup>-Simon, 1987, 223

<sup>۲</sup>-Blaug, 1992, 151-2

۱- گروه اول افرادی مانند "انس زرقاء" و "اسد زمان" هستند که به این منظور، اصل موضوعهٔ بیشینه‌سازی مطلوبیت را با وارد کردن احکام و محدودیت‌های اسلامی، برای فرد مسلمان بازسازی کرده‌اند:

انس زرقاء در مقاله‌ای تحت عنوان «وابستگی جزئی در تابع مطلوبیت مسلمان» می‌نویسد: یکی از تفاوت‌های ساختاری میان انسان اقتصادی و انسان اسلامی آن است که تابع مطلوبیت دومی دارای متغیر جدیدی موسوم به پاداش یا جزا در آخرت است. متغیر جدید، دارای تعامل شدید با سایر متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی در تابع مطلوبیت است. البته وی تابع مطلوبیت فرد مسلمان را داده شده تلقی نمی‌کند، بلکه آن را به صورت جزء درون‌زای نظام مطرح کرده و معتقد است: اسلام، تلاش بی‌وقفه‌ای را برای تغییر جهت آن از مسیر انحرافی دنبال می‌کند. (در حالی که معمولاً توسط اقتصاددانان داده شده فرض می‌شود) (سیزده تن از نویسندگان، ۱۳۷۵، ص ۲۰۰-۱۹۸)

اسد زمان برای ترسیم تابع مطلوبیت فرد مسلمان، چهار اصل موضوعی ترجیحات مفهومی، ترجیحات یکنواخت ضعیف، اشباع نیازهای اساسی، اثرات برون‌زایی در مطلوبیت ثانویه را مطرح کرده و بدین وسیله، مواردی از ارزش‌های اسلامی مانند رفتار نعدوستانه، تفاوت میان نیازهای اساسی و ... را بیان می‌کند. (همان، ۱۷۰-۱۵۴)

۲- گروه دوم، کسانی هستند که با رد اصل موضوعهٔ مطلوبیت، اصول موضوعهٔ دیگری را مطرح ساخته‌اند. معروف‌ترین اصولی که از جانب گروه دوم ارائه شده، به این شرح است:

الف- اصل بیشینه کردن تطابق رفتار با احکام شرع

در این قسمت می‌توان از افرادی همچون نجات‌الله صدیقی و منذر قحف را نام برد. از دیدگاه این دو اقتصاددان مسلمان، فرد تربیت شدهٔ مکتب اسلام، براساس معیار طبیعی بیشینه کردن مطلوبیت عمل نمی‌کند؛ بلکه مطلوبیت او نیز در گرو پیروی از احکام شرع است. این دو، برای اثبات این موضوع به تبیین مفهوم موفقیت می‌پردازند.

محمد نجات‌الله صدیقی مفهوم موفقیت را همراه با ارزش‌های اخلاقی می‌داند و چنین بیان

می‌کند، که موفقیت در با تقوا بودن است. هر قدر رفتار فرد، تطابق بیش‌تری با استانداردهای اخلاقی داشته باشد و درستکاری وی در سطح بالاتری قرار گیرد، وی موفق‌تر است. فرد مسلمان در طول زندگی خود، در تمامی مراحل وجود و در هر مرحله، تلاش خواهد کرد هماهنگ با ارزش‌های اخلاقی قدم بردارد. البته بیان این که تقوا و نیکی باید حتی در فعالیت‌های اقتصادی، در قلب توجهات ما قرار گیرد، هرگز به معنای گرایش به ریاضت و انکار مقاصد اقتصادی نیست. مسیر معنویت‌گرایی اسلامی از میان تلاش‌ها و افت و خیزهای زندگی روزمره است. چیزی جدا و منفک از زندگی وجود ندارد. معنویت‌گرایی اسلامی، تنها یک روش زندگی است. هنگامی که می‌گوییم تقوا و نیکی باید هدف ما باشد، تنها اشاره به این روش خاص زندگی بر مبنای ارزش‌های متعالی اسلامی است.<sup>۱</sup> (صدیقی، ۱۹۷۲، ۱۹-۱۵)

منذر قحف ضمن تایید بیانات نجات‌الله صدیقی در مورد موفقیت معتقد است که موفقیت واقعی برای فرد مسلمان، آن است که تمام افق زمانی (شامل این جهان و جهان آخرت) را در نظر بگیرد. (سیزده تن از نویسندگان، ۱۳۷۵، ۱۲۳)

نجات‌الله صدیقی همچنین تصریح می‌کند: شخصی که به ایده‌ها و اهداف اسلامی تن دهد، باید از حداکثر کردن ارضا و مطلوبیت دست بکشد؛ مثلاً یک مصرف‌حرام، ممکن است احساس ارضا و مطلوبیت زیادی برای مصرف‌کننده ایجاد کند که او حاضر است در ازای آن پولی که مطلوبیتش کم‌تر است، پرداخت کند؛ اما انسان مسلمان که می‌داند چنین مصرفی او را از دستیابی به ایده‌ها و اهداف اسلامی باز می‌دارد، چنین ارضایی برایش بی‌معنا خواهد بود. (انصاری، ۱۳۷۸، ۴۶-۴۵)

همان‌گونه که در بحث مصرف این ایده موجود است در تولید هم این ایده‌سازی و جاری خواهد بود یعنی تولید یک کالای حرام ممکن است مطلوبیت زیادی برای تولیدکننده ایجاد کند اما تولیدکننده مسلمان به دنبال دستیابی به ایده‌ها و اهداف اسلامی است.

<sup>۱</sup>-Siddiqi, 1972, 15-19

### ب- اصل بیشینه کردن مصلحت‌العباد.

فهم‌خان می‌گوید: اسلام، منکر آن است که خواسته‌های نفسانی انسان، ایجادکننده نیروی انگیزش برای رفتار مصرف‌کننده است. اسلام مبنای دیگری را جایگزین خواسته‌ها برای رفتار مصرف‌کننده قرار می‌دهد و این مبنا عبارت است از «نیازها». او به تبع شاطبی، نیازهای زندگی انسان را به پنج نوع (لوازم حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال) و به سه سطح (ضروریات، کفاف و رفاه) تقسیم کرده، می‌گوید: در حالی که خواسته به وسیله مفهوم مطلوبیت معین می‌شود، نیاز، یک دیدگاه اسلامی است که به وسیله مفهوم مصلحت تعیین می‌گردد. هدف شریعت، مصلحت‌العباد (رفاه و بهزیستی انسان‌ها) است؛ بنابراین، تمامی کالاها و خدماتی که استفاده از آن‌ها دارای «مصلحت» است، به عنوان نیاز (نیازها) تعیین خواهد شد. مصلحت، خاصیت یا نیرویی در یک کالا یا خدمت است که اجزا و اهداف اساسی زندگی انسان را در این جهان تحت تأثیر قرار دهد و برآورده کند. فهم‌خان، تشخیص مصداق مصلحت را همانند مفهوم مطلوبیت، امری ذهنی می‌داند؛ اما معیارهای تعیین مصلحت را برخلاف مطلوبیت، به امیال ذهنی فرد وابسته نمی‌داند. به اعتقاد وی، معیارهای مصلحت از ناحیه شریعت برای همه تثبیت شده است و تصمیم باید بر مبنای این معیارها گرفته شود. بر این اساس، او نتیجه می‌گیرد که مفهوم مصلحت به دلیل عدم تنافی مصلحت فرد با مصلحت جامعه و کاربرد آن برای هدف تولید و قابلیت مقایسه آن برای افراد گوناگون، بر مفهوم مطلوبیت برتری دارد. (سیزده تن از نویسندگان، ۱۳۷۵، ۱۵۲-۱۳۴)

### ج- اصل بیشینه کردن حب یا رضایت خداوند

سید کاظم صدر به اصل موضوعه بیشینه کردن رضایت خدا یا حب و محبت تاکید می‌کند. وی به نقل از علامه طباطبایی می‌نویسد: ما در باطن خود، حقیقتی احساس می‌کنیم که آن را حب و علاقه می‌نامیم؛ مثلاً نسبت به غذا، همسر، مال، جاه و علم احساس محبت می‌کنیم. این رابطه محبت از آن‌جا پدید می‌آید که مصرف کالا نیازهای قوای انسان را برطرف می‌کند و به آن‌ها کمال می‌بخشد. غذا، موجب فعالیت قوه تغذیه می‌شود و با این عمل است که انسان از گرسنگی رهایی یافته، به کمال می‌رسد. این حب و علاقه در واقع یک نوع ارتباط و جاذبه‌ای است که میان انسان و کمالات او وجود دارد. ایشان سپس می‌افزاید: اصل موضوعه دیگری که ممکن است

گزینش شود، به دست آوردن رضایت خداوند است به این معنا که فرد مسلمان در تلاش است تا رضای خداوند را به حداکثر برساند. این اصل که به صراحت در قرآن مجید بیان شده، هدفِ بندگان صالح پروردگار است و کسانی در دو جهان رستگار می‌شوند که پایبند به این اصل باشند. در توضیح گزینش این اصل باید توجه داشت که تصرف در کالاها و خدمات مختلف در اسلام به چهار دسته واجب، مستحب، مکروه و حرام تقسیم شده است. انجام کارهای واجب و مستحب، موجب کسب رضای خدا، و ارتکاب اعمال مکروه و حرام، سبب ناخشنودی و عدم رضای او می‌شود. هر مسلمانی بالطبع، طبق عقیده و بینش خود، طالب به‌دست آوردن خشنودی او و رستگاری در آخرت است؛ بنابراین، فعالیت‌های ثواب‌دار را انجام می‌دهد و از کارهای گناه‌آلود می‌گریزد. (صدر، ۱۳۷۵، ۱۹۴-۱۹۳)

### ملاحظه

با توجه به مطالب ارائه شده درباره ایده مطلوبیت‌گرایی از منظر اندیشمندان مسلمان، در می‌یابیم که برخی از اقتصاددانان مسلمان و محققان اقتصاد اسلامی، به دلیل تفاوت آشکار دیدگاه‌های اسلام با نظام سرمایه‌داری، مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده از نگاه اقتصاد متعارف را قابل تعمیم به فرد مسلمان ندانسته و درصدد برآمده‌اند تا برای تحلیل رفتار تولیدکننده مسلمان، چارچوبی متناسب با ارزش‌های اسلامی ارائه کنند. عده‌ای دیگر اصالت را با مباحث مطرح شده در غرب دانسته و با قیودی آن را محدود کرده‌اند.

### حداکثر کردن سود در نگاه اندیشمندان مسلمان

از مهمترین مصادیق حداکثر سازی مطلوبیت، حداکثر کردن سود در رفتار تولیدکننده می‌باشد. حال این عامل را در نگاه متفکرین مسلمان بررسی و نقد می‌نماییم.

ابن تیمیه فردی است که از سود عادلانه سخن می‌گوید و توجه ویژه‌ای به مباحث قیمت عادلانه، مکانیزم بازار و تنظیم آن دارد. در همین راستا تعریف قابل توجهی پیرامون سود و حقوق فروشنده نسبت به آن ارائه می‌دهد. وی معتقد است که فروشندگان سود خود را در حد متعارف (الربح المعروف) و بدون وارد آوردن هر گونه خسارتی بر خود و منافع خریداران به دست می‌آورند. البته مباحث مطرح شده توسط ابن تیمیه مانند مباحث دیگر اندیشمندان آن دوره

مباحثی دقیق نمی‌باشد و از آنجا که سود بخشی از قیمت است لذا تحلیل‌های ابن تیمیه پیرامون آن به همراه تحلیل‌های قیمت مطرح شده است. وی معتقد است که در پرتو قیمت عادلانه است که سود عادلانه به عنوان سودی متعارف تعریف می‌شود که معمولاً با تجارتهای از همان نوع به دست می‌آید و هیچ‌گونه زیانی به دیگران وارد نمی‌سازد. البته ابن تیمیه هیچ استدلالی پیرامون نرخ سود غیر متعارف و یا غبن فاحش در هنگامی که مردم از شرایط بازار ناآگاه می‌باشند، ارائه نمی‌کند. (غزالی، ۱۳۸۵، ۲۲۳-۲۲۱)

محمد عبدالمنان معتقد است که رفتار بنگاه اسلامی نمی‌تواند با هدف منحصر به فرد هدایت شود؛ در نتیجه، بنگاه در جامعه اسلامی ممکن است به طور پیاپی ناچار از تلاش برای حداکثر کردن هر چیزی همچون سود، فروش و غیره باشد؛ وی برای اثبات این مطلب، به اصل نوع دوستی که یک اصل نشأت گرفته از قرآن و سنت است، استناد می‌کند. به عقیده وی، این اصل اقتضا می‌کند که هر بنگاه انفرادی از خود، تعاون یا رفتار اقتصادی اجتماعی در زمینه توزیع مجدد درآمد و تخصیص منابع نشان دهد. (سیزده تن از نویسندگان، ۱۳۷۵، ۲۳۰)

ایشان ابتدا پیش‌بینی می‌کند که بنگاه علاقمند به حداکثرسازی سود و یا داشتن سطح متوسطی از سود، به مبادلات بخش خصوصی تعلق دارد. در ادامه وی پیش‌بینی می‌کند بنگاهی که ملزم است در سطح محصولی با حداقل سود یا سود منفی تولید کند به فعالیت اقتصادی بخش عمومی تعلق دارد.<sup>۱</sup> (عبدالمنان، ۱۹۹۰، ۱۲۶)

نجات‌الله صدیقی این مطلب را عنوان می‌کند که یک کارفرمای مسلمان نمی‌تواند همواره تحت تأثیر انگیزه حداکثر کردن سود مالی خود قرار داشته باشد؛ دلیل ساده آن این است که وی دارای انگیزه برتری برای زیستن با ایده‌آل‌های اسلامی عدالت و نوع‌دوستی است. از این رو «رفتار عقلایی اقتصادی» یعنی حداکثرسازی سود در فرد مسلمان به حدودی که به وسیله دو اصل عدالت و نوع‌دوستی تعیین می‌شود، محدود خواهد شد. (میر معزی، ۱۳۸۴، ۳۴۷)

سعید سعد مرطان نیز معتقد است که انگیزه تولیدکننده مسلمان حداکثر ساختن سود نیست؛

<sup>۱</sup>-Abdulmannan, (1990, 126)

بلکه برای افزایش تابع چند هدفی می‌کوشد. یکی از این اهداف، سود عادلانه حلال، دیگری منافع اجتماعی، و سوم کسب رضایت الهی است. به عقیده وی هدف سوم سبب می‌شود که تولیدکننده مسلمان، اوامر خداوند سبحان در تعیین اجرت و قیمت و سطوح کیفیت و مکان کار و مواجهه با کالاها و خدمات ضرور برای جامعه و پرداخت زکات و مانند آن را مراعات کند و این هدف در حقیقت چارچوب مناسبی که در آن توازن و اعتدال بین دو هدف دیگر برقرار شود را فراهم می‌آورد. (مرطان، ۱۴۲۰، ۷۸)

زیر حسن می‌گوید: پیروی از حداکثر کردن سود، به وضوح آزمندانه و دنیا طلبی است و به نظر می‌آید که با قوانین اخلاقی اسلام در تضاد باشد. با وجود این، این فرضیه در اقتصاد اسلامی نیز به همان ترتیب مورد نیاز است. چرا که دارای ارزش پیشگویی است و به برخی نتایج قابل تشخیص منجر می‌شود (یعنی با کنار گذاشتن آن، تئوری قیمت نمی‌تواند برپا گردد و علاوه بر این قابل آزمون تجربی است) و سایر گزینه‌ها در مقابل آن فاقد چنین خصوصیتی هستند. وی در ادامه بیان می‌کند که در اقتصاد مادی حداکثر کردن سود باعث بروز مشکلاتی اجتماعی و اقتصادی می‌شود، چرا که سود یک مقوله منحصر کننده درآمد تلقی می‌شود و اتکای به داوری بازار نمی‌تواند تضمین کننده عدالت در توزیع درآمد باشد. در حالی که در نظام اسلامی احتمالاً مفاهیم متفاوت خواهد بود. شریعت انگیزه سود را به گونه‌ای احاطه کرده است که حداکثر تلاش سودمند اجتماعی صورت پذیرد. با توجه به این که اسلام به دنبال برپا کردن ترتیبات اجتماعی است و تجارت واجب کفایی تلقی می‌شود، در این صورت تعهد اجتماعی بر خود خواهی غلبه می‌کند. بنابراین چنانچه از این قاعده پیروی شود، در مجموع نیازی به جلوگیری از تعقیب حداکثر کردن سود نیست، زیرا در این شرایط حداکثر کردن سود باعث پیشبرد رشد و برابری خواهد شد. (سیزده تن از نویسندگان، ۱۳۷۵، ۴۷۳-۴۵۲)

متوالی در تحلیل مدل رفتاری بنگاه اسلامی بیان می‌کند که کار فرمای مسلمان، منابع گوناگون تولید را هدایای الهی می‌پندارد که به صورت امانت در اختیار او گذاشته شده تا آن‌ها را با کارآترین شیوه برای اجرای منویات الهی در زمین و مهم‌تر از آن در روز قیامت، یعنی دستیابی به سعادت خود و نوع بشر به کار گیرد. با این مقدمه ایشان به این نتیجه دست می‌یابد که

کارفرمای مسلمان با انگیزه غیر شخصی و با انجام تعهد در مقابل امانت به کسب و کار می‌پردازد. بنابراین اصل امانتداری اقتصادی در اقتصاد اسلامی به طور واضح با اصل منافع شخصی که اساس و بنیان اقتصادهای بازار آزاد در جوامع غیر اسلامی است، مغایرت دارد؛ پس هدف بنگاه اسلامی، حداکثر کردن سود نخواهد بود، در مقابل بنگاه اسلامی ممکن است به سطحی منصفانه یا منطقی از سود رضایت دهد، اگر این سطح سود وی را قادر سازد که به هدف مهمتر یعنی انجام کار نیک برای رضایت خداوند نایل گردد. (میرمعزی، ۱۳۸۴، ۳۴۶)

منذر تحف معتقد است که قضیه حداکثر کردن سود باید مورد جرح و تعدیل قرار گیرد، چرا که در نظام سرمایه داری بنا شده است و در ارتباط با افق زمانی و دلالت ضمنی بر مفهوم «موفقیت» در عقلانیت اسلامی مناسب نیست. وی معتقد است که حداکثر سود به صورت مقید آن هم نه فقط به وسیله هزینه، بلکه به واسطه سطح حداقل تضمین شده به وسیله ارزش‌های اخلاقی و مقررات قانونی، قواعد بازی را در اقتصاد اسلامی نقض نخواهد کرد و به دو تفاوت عمده در قیود رفتار تولیدی در جامعه سرمایه‌داری و جامعه اسلامی اشاره می‌کند: یکی این که درجه مداخله قانون در جامعه اسلامی بیش‌تر است و دوم فقدان هر گونه کنترل مؤثر بر رفتار اخلاقی ماورای قانون در جامعه سرمایه‌داری در مقایسه با نهاد حسبی در جامعه اسلامی. (قحف، ۱۳۷۶، ۴۴)

عبدالحمید محمد البعلی نیز هدف حداکثر سود را در چارچوب ضوابط شرعی و احکام فقهی می‌پذیرد. (البعلی، ۱۴۲۱، ۱۰۱)

محمد عبدالمنعم عفر پس از تبیین علت محدودیت سود در اسلام، برخی از موارد محدود کننده را این گونه بیان می‌کند که «اسلام قوانینی را وضع نموده است تا تضمین کند که سود از حد معینی تجاوز نکند که بیش از آن حد به رشد منابع جامعه و بهره‌وری بهینه از آن‌ها و عدالت در توزیع درآمد و ثروت میان افراد جامعه ضرر می‌رساند. پس اسلام احتکار و سوء استفاده از سلطه سیاسی را ممنوع می‌کند و قوانینی را وضع می‌نماید که حاکمیت ضوابط رقابت در بازار و خارج شدن از آن را تضمین نماید تا این که سود بر خدمات فعلی تطبیق نماید و از سوء استفاده به دور باشد. (عفر، ۱۹۸۹، ۴۶۷)



سید کاظم صدر انگیزه اصلی هر تولیدکننده را کسب رضای خدا یا کسب کمال و حب ارزش افزوده یا کار خیر در نظر می‌گیرد. ایشان بیان می‌کند: «که اگر فرض کنیم تولیدکننده هدفش به حداکثر رساندن سود حاصل از فعالیت تولیدی است، شاید از جهتی جامع اصول یاد شده باشد و از جنبه دیگر روشن‌تر و قابل فهم‌تر باشد». ایشان در تبیین این موضوع که چگونه حداکثرسازی سود بر اصول مذکور تطابق می‌کند دو مقدمه را مطرح می‌کند:

الف- در بازار اسلامی که ارزش‌ها و ضوابط اسلامی حکم فرماست، ارزش کالاها و خدمات نیز به درستی ارزیابی می‌گردد و مطابق با ارزش اجتماعی آنهاست؛ بنابراین هر کار خیری موجد یک ارزش است، خواه مادی، خواه معنوی.

ب- از آنجا که نیازهای مصرف‌کنندگان از طریق تقاضای ایشان برای کالاها و خدمات مورد نیاز، موجب افزایش ارزش و کار خیر و کسب رضای خداوند می‌شود. کالاهای مزبور اگر جزء واجب کفایی باشند، که اجر و ثواب آنها و قدر ارزشی افزوده آنها بدیهی است و چنان چه جزء کالاهای مباح باشند ولی رفاه مصرف‌کنندگان را تامین نمایند، خود موجب خلق ارزش می‌شوند. تهیه ارزاق مسلمین، تامین سرپناه و مسکن، فراهم آوردن امکانات تحصیل و پیشبرد علوم و فنون و کمک به از بین بردن سلطه اجانب از گروه آنان، همه اعمالی است صالح و مورد رضای خداوند و موجب ایجاد کمال برای تولیدکننده و ارزش افزوده برای جامعه.

وی پس از طرح این دو مقدمه نتیجه می‌گیرد که به این جهت، هدف تولیدکنندگان در تهیه نهاده‌های تولید و ترکیب و تبدیل آنها به کالاها و خدمات مورد تقاضای مصرف‌کنندگان به طریقی که سود فعالیت یاد شده حداکثر شود، اصل موضوعه بنگاه‌ها تقریر می‌شود. (صدر، ۱۳۷۵، ۲۲۹-۲۲۷)

یونس رفیق المصری می‌گوید: بسیاری از محققان اقتصاد اسلامی تصور می‌کنند تلاش برای حداکثر کردن سود، هیچ قیدی ندارد؛ بنابراین، آن را مردود شمرده یا در آن تشکیک کرده‌اند؛ در حالی که این تصور صحیح نیست؛ زیرا بیشینه کردن سود چه در اقتصاد سرمایه‌داری و چه در اقتصاد اسلامی قیودی دارد و این قیود گاهی با یکدیگر متفاوتند. در حقیقت این قیود، در اقتصاد سرمایه‌داری قیود قانونی وضعی و در اقتصاد اسلامی قیود فقهی شرعی‌اند که گاهی با یکدیگر

مطابق و گاهی مختلفند؛ بنابراین بیشینه‌سازی سود باید به صورت تلاش برای دستیابی به بیش‌ترین سود ممکن در چارچوب قیود معین تعریف شود. این تعریف در هر دو نظام اسلامی و سرمایه‌داری صحیح است؛ گرچه قیود در برخی موارد بین این دو نظام تفاوت دارد. وی سپس اثبات می‌کند که بیشینه‌سازی سود در چارچوب احکام شرع جایز است و در این زمینه به سخنان فقیهان استناد کرده؛ مدّعی می‌شود که بیشینه‌سازی سود قبل از این‌که علم اقتصاد در غرب به وجود آید، بین فقیهان اسلام مطرح بوده است. (رفیق المصری، ۱۴۲۱، ۱۲۹-۱۲۵)

### ملاحظه

در این قسمت به برخی از نظریات اندیشمندان مسلمان در مورد رفتار تولیدکننده و حداکثر کردن سود اشاره می‌نمایم.

ابن تیمیه معتقد است که فروشندگان سود خود را در حد متعارف و بدون وارد آوردن هر گونه خسارتی بر خود و منافع خریداران به دست آورند. محمد عبدالمنان با اشاره به اصل نوع دوستی، این گونه بیان می‌کند که رفتار بنگاه اسلامی نمی‌تواند با هدف منحصر به فرد هدایت شود. محمد نجات الله صدیقی معتقد است که حداکثرسازی سود در فرد مسلمان به حدودی که به وسیله دو اصل عدالت و نوع‌دوستی تعیین می‌شود، محدود خواهد شد. سعید سعد مرطان انگیزه تولیدکننده مسلمان را حداکثر ساختن سود نمی‌داند؛ بلکه کوشش برای افزایش تابع چند هدفی می‌داند. زبیر حسن پیروی از حداکثر کردن سود را آزمندانه و دنیا طلبی می‌داند. و در نهایت منذر قحف نیز معتقد است که قضیه حداکثر کردن سود باید مورد جرح و تعدیل قرار گیرد، چرا که در نظام سرمایه داری بنا شده است.

آنچه در مطالب فوق به چشم می‌خورد، این نکته است که تولیدکننده مسلمان نمی‌تواند با هدف حداکثر سازی سود اقدام نماید، چرا که وی دارای ارزش های اسلامی و انسانی بوده و بر مبنای تعالیم ناشی از وحی تصمیم گیری می‌نماید. البته این نکته قابل توجه است که تولیدکننده مسلمان بیشترین سعی و تلاش خود را به کار می‌بندد و در راستای به دست آوردن سود، نیز قدم بر می‌دارد. اما این عامل با حداکثر سازی سود توسط وی تفاوت دارد.

## مطلوبیت‌گرایی و محدودیت‌های آن در آیات قرآن کریم

در آیات کلام وحی، تعبیراتی چون مال الله، فضل‌الله، خیر، رحمت، حسنه وامثال آن در ارتباط با امور مالی و اقتصادی به کار رفته است. این عبارات در برخی از آیات قرآن کریم به نوعی بر مطلوبیت‌گرایی دلالت دارند.

۱- اعطاء مطلوبیت حداکثری و یا حداقلی در دستان خداوند: رزق به معنی عطاء و بخشش مستمر است و از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می‌شود. این نکته نیز لازم به تذکر است که مفهوم آن تنها در نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود بلکه هر گونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹، ۱۶)

خداوند در آیه ۶ از سوره مبارکه هود می‌فرماید: « وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ »<sup>۱</sup>

کلمه «دابه» به طوری که در کتب لغت آمده به معنای هر موجودی است که حرکتی هر چند اندک داشته باشد، و بیشتر در نوع خاصی از جنبندگان استعمال می‌شود، اما قرینه مقام آیه اقتضاء دارد که عموم منظور باشد. بنابراین این آیه بیان می‌کند که کل جنبنده‌هایی که در زمین هستند رزقشان بر عهده خدای تعالی است پس خدای تعالی دانا و با خبر از احوال آنها است هر جا که باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۲۲۰)

همچنین خداوند در آیه ۳۱ از سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: « وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا »<sup>۲</sup>

این آیه بیان می‌کند که توسعه دادن در روزی و تنگ گرفتن آن دست خداوند متعال است، و هر کسی را به اقتضای حالات ظاهری و نیات باطنی او روزی داده و وسعت و محدود می‌کند در نتیجه فرمود که اولاد و بچه‌های خودتان را از فشار تنگدستی و فقر نکشید، و توجه داشته باشید

<sup>۱</sup>- ترجمه آیه: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است.

<sup>۲</sup>- ترجمه آیه: و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است!

که ما روزی آنها و شما را داده و تأمین می‌کنیم. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۱۳، ۱۸۶)

۲- مطلوبیت‌گرایی خداپسندانه: خداوند در آیه ۷۲ از سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>۱</sup>

در این آیه خداوند به پذیرفتن امانت الهی از طرف انسان اشاره می‌کند و بسیار روشن است که انسان در قبال پذیرفتن این امانت الهی مسئولیت دارد و مورد سوال قرار خواهد گرفت. لذا آیه ۸ از سوره تکوین به همین نکته اشاره دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۲</sup>

بنابراین هر انسانی در برابر هر نعمتی که خدا به او داده مسئول است و بازخواست خواهد شد. خدای تعالی انسان را آفریده، غایت و هدف نهایی از خلقتش را که همان سعادت او و منتهی درجه کمال او است تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده و این تقرب عبودی همان ولایت الهی نسبت به بنده‌اش می‌باشد و خدای سبحان تمامی آنچه مایه سعادت او است و از آن در سلوکش به سوی غایتی که برای آتش خلق کرده منتفع می‌شود، و آن عبارت است از همه نعمت‌های ظاهری و باطنی که در اختیار او نهاده. پس استعمال این نعمت‌ها به طریق خداپسندانه که انسان را به غایت مطلوبش برساند همان طریقی است که آدمی را به غایت و هدف از خلقتش که همان اطاعت است می‌رساند و استعمال آنها به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن اینکه این نعمت‌ها وسیله‌اند نه هدف، گمراهی و بریدن از هدف است، و این خود معصیت است. (طباطبایی، ۲۰، ۶۰۵-۶۰۳)

۳- مطلوبیت‌گرایی حداکثری، زینتی زودگذر و فریبنده: خداوند در آیه ۴۶ از سوره مبارکه

<sup>۱</sup> - ترجمه آیه: ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند اما انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)

<sup>۲</sup> - ترجمه آیه: سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد!

کَهْفِ مِی‌فَرْمَايِد: «الْمَالُ وَالْأَنْبُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»<sup>۱</sup>

این آیه در حقیقت انگشت روی دو قسمت از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی دنیا گذارده است که بقیه به آن وابسته است، نیروی اقتصادی و نیروی انسانی. چرا که برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی حتماً این دو نیرو لازم است و به همین دلیل آنها که بر تخت قدرت می‌نشینند سعی در جمع‌آوری این دو نیرو می‌کنند در صورتی که باقیات صالحات یعنی ارزشهای پایدار و شایسته، نزد پروردگار ثوابش بهتر و امیدبخش‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲، ۴۴۶-۴۴۵)

بنابراین هر چند که دل‌های بشر علاقه به مال و فرزند دارد و همه مشتاق و متمایل به سوی آنند و انتظار انتفاع از آن را دارند و آرزوهایشان بر اساس آن دور می‌زند و لیکن زینتی زودگذر و فریبنده هستند که آن منافع و خیراتی که از آنها انتظار می‌رود ندارند و همه آرزوهایی را که آدمی از آنها دارد برآورده نمی‌سازند پس این آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که اعمال آدمی برای آدمی باقی می‌ماند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳، ۴۴۳)

همچنین خداوند در آیه ۱۰۴ از همین سوره می‌فرماید: «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنََّّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»<sup>۲</sup>

این آیه از آن‌هایی که در عمل از هر زیانکاری زیانکارترند خبر می‌دهد. و آنها کسانی هستند که در زندگی دنیا از عمل خود بهره نگرفتند در عین حال گمان می‌کنند که کار خوبی انجام می‌دهند و همین پندار است که مایه تمامیت خسران ایشان شده است. خسران و خسارت در کسب و کارهایی صورت می‌گیرد که به منظور استفاده و سود انجام می‌شود و وقتی خسران تحقق می‌یابد که کاسب از سعی و کوشش خود به غرضی که داشته نرسد، بلکه نتیجه عمل این شود که مثلاً چیزی از سرمایه هم از بین برود و یا حداقل منفعتی عاید نگردد در نتیجه سعیش بی‌نتیجه شود. آدمی در زندگی دنیا جز سعی برای سعادت خود کاری نمی‌کند و جز کوشش برای رسیدن به چنین هدفی همی ندارد و این انسان اگر طریق حق را بیسماید و به غرض خود نائل شود و

<sup>۱</sup>- ترجمه آیه: مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگار بهتر و امیدبخش‌تر است!

<sup>۲</sup>- ترجمه آیه: آن‌ها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند

سعادت‌مند بشود که هیچ و اگر راه خطا را برود و نفهمد که دارد خطا می‌رود خاسر است لیکن همین خاسر خسراش قابل زوال است و امید نجات دارد. اما اگر راه خطا رفت و به غیر حق اصابت کرد و همان باطل را پذیرفت تا آنجا که وقتی هم که حق برایش جلوه کرد از آن اعراض نمود و دلباخته استکبار و تعصب جاهلانه خود بود، چنین کسی از هر خاسری خاسرتر است و عملش از عمل هر کس دیگری بی‌نتیجه‌تر، زیرا این خسرانی است که زایل نمی‌شود و امید نمی‌رود که روزی مبدل به سعادت شود. و اینکه کسی با روشن شدن بطلان اعمالش، باز هم آن را حق بیندارد از این جهت است که دلش مجذوب زینت‌های دنیا و زخارف آن شده و در شهوات غوطه‌ور گشته، لذا همین انجذاب به مادیت او را از میل به پیروی حق و شنیدن داعی آن و پذیرفتن ندای منادی فطرت باز می‌دارد. پس پیروی هوای نفس از در عناد و استکبار و عشق به شهوات نفس به اعراض از حق ادامه دادن همان خشنودی از باطل خویش بودن و آن را نیکو پنداشتن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳، ۵۴۸-۵۴۶)

### ملاحظه

در آیات قرآن کریم، انسان موجودی است که وابسته به خالق خویش بوده و دارای تعالیم آسمانی و اعتقادات مذهبی می‌باشد. با این وجود حداکثر سازی مطلوبیت در تفکر او جایی ندارد. در مورد مطلوبیت‌گرایی در آیات قرآن کریم، چند نکته قابل به ذکر است:

نکته اول این که اعطاء مطلوبیت حداکثری و یا حداقلی در دستان خداوند است چرا که توسعه دادن در روزی و تنگ گرفتن آن دست اوست و هر کسی را به اقتضای حالات ظاهری و نیات باطنی او روزی داده و وسعت و محدود می‌کند. در حقیقت آنچه را که افراد با ذهن خود حداکثر مطلوبیت تصور می‌کنند ممکن است که بیشترین آسیب را برای آنان به همراه داشته باشد. «... و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرّ شما در آن است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»<sup>۱</sup>

نکته دوم این که آن مطلوبیتی که به دست می‌آید، خداوند عنایت فرموده است. پس استعمال آن هاباید به طریق خداپسندانه باشد که انسان را به غایت مطلوبش برساند. بنابراین استعمال آن‌ها به

۱- سوره مبارکه بقره آیه ۲۱۶: «... وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این‌ها وسیله‌اند نه هدف، گمراهی و بریدن از هدف بوده و این خود معصیت است. این عامل را با عنوان مطلوبیت‌گرایی خداپسندانه مطرح نمودیم. نکته سوم این که مطلوبیت‌گرایی حداکثری، زینتی زودگذر بوده و ممکن است فریبنده باشد. چرا که دل انسان را مجذوب زینت‌های دنیا و زخارف آن نموده و در شهوات غوطه‌ور می‌سازد. لذا همین انجذاب به مادیت، او را از میل به پیروی حق و شنیدن داعی آن و پذیرفتن ندای منادی فطرت باز می‌دارد. در صورتی که باقیات صالحات یعنی ارزشهای پایدار و شایسته، نزد پروردگار ثوابش بهتر و امید بخش‌تر است.

### مطلوبیت‌گرایی و محدودیت‌های آن در روایات معصومین (ع)

۱- مطلوبیت‌گرایی به جهت رفع نیازمندی: پیامبر<sup>ص</sup> به نقل از صحف ابراهیم<sup>ع</sup>، برای ابوذر غفاری اینگونه بیان کردند: «علی العاقل أن (لا) یکون ظاعنا إلی فی ثلاث: تزوّد لمعاد، أو مرمة لمعاش، أو لذّة فی غیر محرّم»<sup>۱</sup> بر خردمند لازم است که جز برای سه چیز کوچ نکند (و به تلاش نپردازد): ذخیره کردن برای معاد، یا بهبود بخشیدن به معاش، یا لذّت بردن از چیزی حلال. امام علی<sup>ع</sup> به روایت امام موسی کاظم<sup>ع</sup> فرمود: «أوصیکم بالخشية من الله فی السرّ و العلانية، و العدل فی الرضا و الغضب، و الاکتساب فی الفقر و الغنی»<sup>۲</sup> شما را سفارش می‌کنم به ترسیدن از خدا در آشکار و نهان و مراعات عدالت در حالت خشنودی و خشم و پرداختن به کسب و کار در ناداری و دارایی.

امام علی<sup>ع</sup> فرمودند: «للمؤمن ثلاث ساعات، فساعة یناجی فیها ربّه، و ساعة یرمّ معاشه، و ساعة یخلی بین نفسه و بین لذّتها فیما یحلّ و یجمل»<sup>۳</sup> مؤمن وقت خویش را سه بخش می‌کند: بخشی که در آن با پروردگار خویش مناجات (و او را عبادت) کند و بخشی که در آن به دنبال تأمین معاش خویش رود و بخشی که به خلوت (و استراحت) پردازد، تا از آنچه حلال و زینده است لذّت ببرد.

۱- مکارم الاخلاق، ص ۵۵۷

۲- تحف العقول، ص ۲۸۸

۳- نهج البلاغه، ص ۱۲۷۱

۲- مطلوبیت‌گرایی با رعایت موازین شرعی: امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمود: «اجعلوا لانفسکم حظًا من الدنیا باعطائها ما تشتهی من الحلال و ما لا تتلم المرؤة و لا سرف فيه و استعینوا بذلک علی امور الدنیا»<sup>۱</sup> از لذت‌دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راههای مشروع برآورید، مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید. تفریح و سرگرمیهای لذت‌بخش، شما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد.

امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «إیّاک و العجلة بالأمور قبل أوانها، أو التّساقط فیها عند إمكانها، أو اللّجاجة فیها إذا تنکرت، أو الوهن عنها إذا استوضحت؛ فضع کلّ أمر موضعه، و أوقع کلّ عمل موقعه»<sup>۲</sup> از آن بهره‌ز که پیش از موعد در کارها شتاب‌ورزی، یا با وجود امکان انجام دادن آنها مسامحه کنی، یا در کارهایی که راه راست در آنها آشکار نیست لجاجت به خرج دهی، یا چون وضع روشن شد آن را سست بگیری، بنابراین، هر چیز را در جای خود قرار ده، و هر کار را در هنگام خود به انجام رسان.

۳- مطلوبیت‌گرایی خداپسندانه: مردی با نگرانی به امام صادق<sup>(ع)</sup> عرض کرد: «و الله أنا لنطلب الدنیا و نحبّ ان نؤتاها. فقال تحبّ ان تصنع بها ما ذا؟ قال: اعود بها علی نفسی و عیالی و اصل بها و اتصدّق بها و احجّ و اعتمر. فقال علیه السّلام لیس هذا طلب الدنیا هذا طلب الآخرة»<sup>۳</sup> به خدا قسم ما سخت گرفتار دنیاطلبی شده‌ایم و دوست داریم که بر مال و ذخائر آن دست یابیم وضع ما چگونه خواهد بود؟ حضرت از او سؤال کرد دوست داری با مال دنیا چه کنی و درآمدت را در چه راه صرف نمائی؟ جواب داد: در بهبود زندگی خود و عائله‌ام صرف نمایم. صله رحم کنم و به بستگان تهی دستم کمک نمایم. در راه خدا به فقرا و مستمندان بدهم. به سفر عبادت حج و عمره بروم. حضرت فرمود نگران نباش کار تو دنیا طلبی مذموم نیست بلکه این کار خود آخرت‌طلبی است.

<sup>۱</sup> بحار الانوار ج ۱۷، ص ۲۰۸

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۰۳۱

<sup>۳</sup> کافی، ج ۵، ص ۷۲



۴- مطلوبیت‌گرایی و مذمت حب دنیا: امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «حَبِّ الدُّنْيَا يَفْسِدُ الْعَقْلَ وَيَصْمَمُ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ»<sup>۱</sup> حب دنیا عقل را فاسد می‌کند و گوش دل را از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا می‌سازد.

امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: «مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَنْفِي وَ اَمَلٌ لَا يَدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يَنْالُ»<sup>۲</sup> کسی که به دنیا دل بسته و در بند علاقه‌اش اسیر است همواره گرفتار سه حالت روحی است: غصه و اندوهی که هرگز از صفحه دلش زدوده نمی‌شود، آرزویی که هرگز برآورده نمی‌گردد و امیدی که هرگز به آن دست نمی‌یابد.

۵- مذمت مطلوبیت‌گرایی حداکثری: امام صادق<sup>(ع)</sup> کارگر وابسته‌ای به نام «مصادف» داشت، او را نزد خود خواند و هزار دینار به او داد و گفت: «تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ فَإِنَّ عِيَالِي قَدْ كَثُرُوا ... فَتَجَهَّزْ بِمَتَاعٍ وَ خَرِّجْ مَعَ التَّجَارِ إِلَى مِصْرَ. فَلَمَّا دَنَا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلْتَهُمْ قَافِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ، فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مَا حَالُهُ فِي الْمَدِينَةِ- وَ كَانَ مَتَاعُ الْعَامَّةِ- فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ، فَتَحَالَفُوا وَ تَعَاقدُوا عَلَيَّ أَنْ لَا يَنْقُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِبْحِ دِينَارٍ دِينَارًا. فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَ انصَرَفُوا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَدَخَلَ مِصَادِفٌ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «ع» وَ مَعَهُ كَيْسَانٌ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفَ دِينَارٍ. فَقَالَ: جَعَلْتَ فِدَاكَ! هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَ هَذَا الْآخِرُ رِبْحٌ. فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الرَّبْحَ كَثِيرٌ، وَ لَكِنْ مَا صَنَعْتَهُ فِي الْمَتَاعِ؟ فَحَدَّثَهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَ كَيْفَ تَحَالَفُوا. فَقَالَ: سَبَّحَانَ اللَّهِ! تَحْلِفُونَ عَلَيَّ قَوْمٌ مُسْلِمِينَ أَلَّا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا رِبْحَ الدِّينَارِ دِينَارًا؟ ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكَيْسَيْنِ فَقَالَ: هَذَا رَأْسُ مَالِي، وَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرَّبْحِ؛ ثُمَّ قَالَ: يَا مِصَادِفُ! مَجَالِدَةُ السَّيْفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلْبِ الْحَلَالِ»<sup>۳</sup> خود را برای سفر به مصر آماده کن، زیرا که نان‌خورهای من فراوان شده‌اند ... پس مصادف کالایی (برای فروش) تهیه کرد و همراه تاجران به طرف مصر به راه افتاد. چون به مصر نزدیک شدند، کاروانی که از مصر بیرون آمده بود به ایشان برخورد، از اهل کاروان در باره وضع کالایی که با خود داشتند- و کالایی بود مورد نیاز عموم- پرسیدند، معلوم شد زمینه آن در مصر خالی است؛ از این رو اینان با

<sup>۱</sup>- غررالحکم، ص ۱۱۱

<sup>۲</sup>- کافی، ج ۲، ص ۳۲۰

<sup>۳</sup>- کافی، ج ۵، صص ۱۶۱-۱۶۲

یک دیگر قرار گذاشتند که کالای خود را با سودی کمتر از دینار به دینار نفروشدند. پس چون پول‌های خود را (پس از فروش) جمع کردند و به مدینه بازگشتند، مصادف نزد امام صادق<sup>(ع)</sup> آمد و دو کیسه با خود همراه داشت، در هر کیسه هزار دینار؛ گفت: فدایت شوم! این کیسه سرمایه است و آن دیگری سود. امام<sup>(ع)</sup> فرمود: این ربح زیادی است، بگو بینم چه کار کردی با کالا؟ مصادف جریان را شرح داد که چه کردند و چه قراری گذاشتند. امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: سبحان الله! به زیان مردمی مسلمان با یک دیگر قرار می‌گذارید که از هر یک دینار کالا یک دینار سود برید؟ آنگاه یکی از دو کیسه را برداشت و گفت این سرمایه من و ما را نیازی به این سود نیست؛ سپس فرمود: ای مصادف! نبرد کردن با شمشیر، آسانتر است از طلب کردن مال حلال.

### ملاحظه

سفارش اهل بیت<sup>(ع)</sup> جهت پرداختن به نهایت تلاش و کوشش، برای تامین معاش خود و جامعه به خوبی در روایات مختلف به چشم می‌خورد. در این میان جلوگیری از اسراف و تبذیر و رعایت موازین شرعی، توجه به معاد، مذمت دنیا و مذمت مطلوبیت و سود حداکثری نیز مطرح می‌شود.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اصالت وجودی در تفکرات اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری به طور کامل با فرد است. بنابراین هر عاملی که بر فرد بار شود مورد اهمیت ویژه‌ای قرار خواهد گرفت به همین دلیل صحبت از لذت و رنج در مورد فرد اهمیت چندانی می‌یابد و حتی گاهی برای عملی کردن آن تا تعرض به حقوق دیگران هم پیش می‌رود. مطلوبیت‌گرایی در تفکر اندیشمندان غربی بیشتر در فضای مادی‌گرایی مطرح گردیده هر چند که اشاره‌ای هم به مقوله‌های اخلاقی نیز شده است اما بسیار محدود و خام می‌باشد.

از مهمترین انتقاداتی که اندیشمندان غربی بر مطلوبیت‌گرایی وارد نموده‌اند می‌توان به توجه بیش از حد به یکی از انگیزه‌های بشری، عدم سخن گفتن از توزیع لذت و شادی، امکان این نکته که مفهوم سعادت اجتماعی به استبداد بینجامد؛ اشاره نمود.

برخی از اندیشمندان مسلمان، ایده مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده را قابل تعمیم به فرد مسلمان ندانسته و درصدد برآمده‌اند تا برای تحلیل رفتار تولیدکننده مسلمان، چارچوبی متناسب با ارزش‌های اسلامی ارائه کنند. عده‌ای دیگر نیز اصالت را با مباحث مطرح شده در غرب دانسته و با قیودی آن را محدود نموده‌اند.

حال به برخی از نظریات اندیشمندان مسلمان در مورد رفتار تولیدکننده و حداکثر کردن مطلوبیت (سود) اشاره می‌نماییم. ابن تیمیه معتقد است که فروشندگان سود خود را در حد متعارف و بدون وارد آوردن هر گونه خسارتی بر خود و منافع خریداران به دست آورند. محمد عبدالمنان با اشاره به اصل نوع دوستی، این گونه بیان می‌کند که رفتار بنگاه اسلامی نمی‌تواند با هدف منحصر به فرد هدایت شود. محمد نجات الله صدیقی معتقد است که حداکثرسازی سود در فرد مسلمان به حدودی که به وسیله دو اصل عدالت و نوع دوستی تعیین می‌شود، محدود خواهد شد. سعید سعد مرطان انگیزه تولیدکننده مسلمان را حداکثر ساختن سود نمی‌داند؛ بلکه کوشش برای افزایش تابع چند هدفی می‌داند. زبیر حسن پیروی از حداکثر کردن سود را آزمندانه و دنیا طلبی می‌داند. و در نهایت منذر قحف نیز معتقد است که قضیه حداکثر کردن سود باید مورد جرح و تعدیل قرار گیرد، چرا که در نظام سرمایه‌داری بنا شده است.

اما نکته مهم این است که تولیدکننده مسلمان نمی تواند با هدف حداکثر سازی مطلوبیت (سود) اقدام نماید، چرا که وی دارای ارزش‌های اسلامی و انسانی بوده و بر مبنای تعالیم ناشی از وحی تصمیم‌گیری می‌نماید.

در مورد مطلوبیت‌گرایی در آیات قرآن کریم، چند نکته قابل به ذکر است:

نکته اول این که اعطاء مطلوبیت حداکثری و یا حداقلی در دستان خداوند است چرا که توسعه دادن در روزی و تنگ گرفتن آن دست اوست و هر کسی را به اقتضای حالات ظاهری و نیات باطنی او روزی داده و وسعت و محدود می‌کند. در حقیقت آنچه را که افراد با ذهن خود حداکثر مطلوبیت تصور می‌کنند ممکن است که بیشترین آسیب را برای آنان به همراه داشته باشد. «... و چه بسا شما چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرُّ شما در آن است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»<sup>۱</sup>

نکته دوم این که آن مطلوبیتی که به دست می‌آید، خداوند عنایت فرموده است. پس استعمال آن‌ها باید به طریق خداپسندانه باشد که انسان را به غایت مطلوبش برساند. بنابراین استعمال آن‌ها به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این‌ها وسیله‌اند نه هدف، گمراهی و بریدن از هدف بوده و این خود معصیت است. این عامل را با عنوان مطلوبیت‌گرایی خداپسندانه مطرح نمودیم. نکته سوم این که مطلوبیت‌گرایی حداکثری، زینتی زودگذر بوده و ممکن است فریبنده باشد. چرا که دل انسان را مجذوب زینت‌های دنیا و زخارف آن نموده و در شهوات غوطه‌ور می‌سازد. لذا همین انجذاب به مادیت، او را از میل به پیروی حق و شنیدن داعی آن و پذیرفتن ندای منادی فطرت باز می‌دارد. در صورتی که باقیات صالحات یعنی ارزش‌های پایدار و شایسته، نزد پروردگار ثوابش بهتر و امید بخش‌تر است.

آن چه که در روایات معصومین<sup>(ع)</sup> به چشم می‌خورد، سفارش اهل بیت<sup>(ع)</sup> جهت پرداختن به نهایت تلاش و کوشش، برای تامین معاش خود و جامعه است. در این میان جلوگیری از اسراف و تبذیر و رعایت موازین شرعی، توجه به معاد، مذمت دنیا و مذمت مطلوبیت و سود حداکثری نیز مطرح می‌شود.

۱- سوره مبارکه بقره آیه ۲۱۶: «... وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

در نهایت باید چنین بیان نمود که با مشاهده کلام وحی و روایات معصومین<sup>(ع)</sup> در می‌یابیم که برای انسان اهداف گوناگونی ترسیم شده است که باید برای رسیدن به آن‌ها تلاش نماید. محقق شدن این اهداف، یعنی دستیابی به والاترین هدف که همان عبادت و اطاعت است<sup>۱</sup>. با این وجود آنچه در رفتار تولیدکننده مسلمان در وهله اول مورد اهمیت است هدف اقتصادی اوست که در راستای هدف غایی وی باشد.

بنابراین هدف اقتصادی تولیدکننده مسلمان، تولید کالا برای رفع نیاز جامعه اسلامی و خانواده خویش است. اما نباید فراموش شود که این هدف در راستای هدفی والاتر یعنی هدف از خلقت او که همان عبادت است؛ قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که تولیدکننده مسلمان باید نهایت سعی و تلاش خود را برای رفع نیازمندی‌های خود و جامعه‌اش به کار بندد و این به معنای حداکثرسازی مطلوبیت فرد نیست.

<sup>۱</sup> «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ترجمه آیه: من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و

از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!

## منابع و مأخذ

۱. آربلاستر، آنتون؛ **ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب**؛ ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، (۱۳۷۷).
۲. انصاری، محمدجعفر و همکاران؛ **درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی**؛ پژوهشکده حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۸).
۳. اینتایر، السدیرمک؛ **تاریخچه فلسفه اخلاق**؛ ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، حکمت، (۱۳۷۹).
۴. باقری، علی؛ **معیارهای توزیع درآمد و عدالت**؛ نامه مفید، شماره ۱۳، (۱۳۷۷).
۵. بشریه، حسن؛ **تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم**؛ نشر نی، ج ۲، تهران (۱۳۷۹).
۶. البعلی، عبدالحمید محمود؛ **اصول الاقتصاد الاسلامی**؛ بیروت، دارالداوی، الاولى، (۱۴۲۱ق).
۷. بلوم، ویلیام؛ **نظریه های نظام سیاسی**؛ احمد تدین، تهران، نشر آران، (۱۳۷۳).
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**؛ انتشارات دفتر تبلیغات، قم، (۱۳۶۶).
۹. جونز، ویلیام توماس؛ **خداوندان اندیشه سیاسی**؛ ترجمه علی رامین، تهران، انتشارات امیرکبیر، (۱۳۵۸).
۱۰. حرانی، ابن شعبه؛ **تحف العقول**؛ انتشارات جامعه مدرسین، قم، (۱۴۰۴ق).
۱۱. دادگر، یدالله؛ **تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی**؛ قم، انتشارات دانشگاه مفید، (۱۳۸۳).

۱۲. رفیق المصری، یونس؛ **بحوث فی الاقتصاد الاسلامی**؛ سوریه، دارلمکتبی، الاولى، (۱۴۲۱).
۱۳. ژید، شارل؛ **تاریخ عقاید اقتصادی**؛ کریم سنجابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۰).
۱۴. سیدرضی؛ **نهج البلاغه**؛ انتشارات هجرت، قم، (۱۴۰۴ق).
۱۵. سیزده تن از نویسندگان؛ **اقتصاد خرد؛ نگرش اسلامی**؛ ترجمه حسین صادقی، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۷۵).
۱۶. شجاعی، حسن؛ **مقایسه‌ای بین عدالت از منظر فایده‌گرایی و اقتصاد اسلامی**؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران، (۱۳۷۸).
۱۷. شومپتر، جوزوف؛ **تاریخ تحلیل اقتصادی**؛ ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، اول، ۱۳۷۵.
۱۸. شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی؛ **مکارم الأخلاق**؛ انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، (۱۳۷۰).
۱۹. صدر، سید کاظم؛ **اقتصاد صدر اسلام**؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۷۵).
۲۰. طباطبایی، محمد حسین؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴).
۲۱. عالم، عبدالرحمن؛ **تاریخ فلسفه سیاسی غرب**؛ وزارت امور خارجه، تهران (۱۳۸۱).
۲۲. عفر، محمد عبدالمنعم؛ **الاقتصاد التحلیلی الاسلامی**؛ التصرفات الفردیه، جده، دار حافظ للنشر و التوزیع، (۱۹۸۹م).
۲۳. غزالی، عیدیت و ابوالحسن صادق؛ **عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان**؛ ترجمه احمد شعبانی، انتشارات دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، تهران، (۱۳۸۵).

۲۴. قحف، منذر؛ **مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی**؛ ترجمه عباس عرب مازار، تهران، سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۶).
۲۵. کاپالدی، نیکولاس، بتام؛ **میل و مکتب فایده‌گرایی**؛ ترجمه محمد بقایی، تهران، اقبال، (۱۳۸۳).
۲۶. کاپلستون، فردریک؛ **تاریخ فلسفه**؛ ج ۵، فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، انتشارات صدا و سیما، (۱۳۷۵).
۲۷. کاتوزیان، همایون؛ **ایدئولوژی و روش در اقتصاد**؛ ترجمه م. قائد، تهران نشر مرکز، (۱۳۷۴).
۲۸. کلینی؛ **الکافی**؛ انتشارات اسلامی، تهران، (۱۳۶۲).
۲۹. لائوژی، ژوزف؛ **عقاید اقتصادی**؛ ابراهیم مدرسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۵۳).
۳۰. مصطفوی حسن؛ **تفسیر روشن**؛ انتشارات مرکز نشر کتاب، تهران، (۱۳۸۰).
۳۱. مگی، برایان؛ **مردان اندیشه**؛ ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو، (۱۳۸۷).
۳۲. مجلسی، محمد باقر؛ **بحار الانوار**؛ انتشارات مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، (۱۴۰۴ق).
۳۳. مکارم شیرازی ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ انتشارات دارالکتب الإسلامیه، تهران، (۱۳۷۴).
۳۴. نمازی، حسین؛ **نظامهای اقتصادی**؛ تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۷۴).
35. Abdulmannan, Muhammad, *The behaviour the firm and its objectives in an Islamic framework*, Reading in micro economics.
36. Blaug, mark, *The Methodology of Economis*, 2nd ed, london, Cambridge University press, (1992).
37. Sandel, Michael, *Liberalism and the limits of justice*, Cambridge University press, (1989).
38. Siddiqi, mohammadnejatullah, *Some Aspects of the Islamic Economy*, Delhi: MartaziMaktabaIslami, (1972).



39. Simon, Herbert, *Behavioural Economics, The New Palgrave, London, Vol.1, (1987).*
40. Stark, w. Jeremy Benthames; *Economic writings, London, Allen and Unwin, vol III, (1952).*

